کاندید اکادمیسین سیستانی ۲۰۱۹ /۷/۲

قابل توجه آقای باری جهانی

خوانندگان آگاه اند که پوهاند یون یک مرثیه زیرعنوان **(ای دویده ملت معماره!)** به یاد شهید داودخان وآرمانهای او برای ترقی وطن واز جمله برابری ارزش پول افغانی با کلدار پاکستانی ،نوشته بود ودر رسانه ها به نشرسپرده بود، وآقای قاسم باز نیز آنرا پسندیده وبه پورتال افغان جرمن ارسال کرده که به نشر رسید،ومن هم در پیامی از این کار استاد یون تمجیدکردم، ولی شماآقای جهانی،استاد یون را با یک نقد بیمورد وغیرموجه خودمورد توهین قرار داده وحتی استادی او رادر پوهنتون زیرسوال برده اید*، درحالی که او کدام جرم وجنایتی را مرتکب نشده است بجزاینکه از شهید داودخان تکریم کرده است.
متاسفانه تعصب شما در برابر عظمت نام وکارکردهای داودخان شهید، چنان در نقد شما برمرثیه استاد یون نمایان است که نمیتوانید نیت وهدف اصلی خود را با نقل قولی ازپیام داکترحیدری (که با نوشته استاد یون هیچ ارتباطی ندارد) پنهان نمائید.

داودخان رئیس جمهورکشور در روز۷ ثوربا۱۷ تن از اعضای خانواده خود شهید شد واجساد شان در محلی زیرخاک پنهان گردید تا کس نشانی از آنها پیدانکند، ولی حقانیت خدمات و کارکردهای ماندگارداودخان سبب گردید تا سالهای بعدعظام رمیم آن خدمتگارصادق افغانستان اولاً از زیرتپه ای درساحه پل چرخی کشف گردد وبعد بریک مکان آبرومند بخاک سپرده شود. واینک براثر تقاضای فرزندان حق شناس وطن دولت اشرف غنی امرکرده تا مقبرۀ مناسبی برای آن شهید وطن بنا گردد.

رفتن استاداسماعیل یون وچند شخصیت حق شناس دیگر برآن مقبره، نشانۀ قدرشناسی مردم افغانستان از آن شخصیت ملی است وایکاش شما بدون تعصب سخنرانی های سپاسمندانه استاد یون، محمدولی باز وحاجی خان محمدباز ودوسه نفر دیگر از جوانان را برمقبرۀ سردار شهید می شنیدید تا قدری از اخلاص مردم نسبت به آن مرد شجاع آگاه می شدید ودست از عقده گشائی علیه آن مرد تاریخ ساز وطن برمیداشتید.
پوهاند یون، مثل بعضی از شاعران مداح ،آدم چاپلوس ومتملقی نیست ،مگر چون انسان حق بین وحق گوئی است، از کارکردهای وطن پرستانه شهید داود به مردم این کشور،به حیث یک عنصر ملی وحق شناس، این زحمت را درشرایط بد امنیتی برخود متقبل شده و با تنی چند از اخلاص مندان داودخان برسر مقبرۀ آن شخصیت بزرگ ملی رفته تا با اتحاف دعایی یاد آن بزرگمرد را گرامی بدارد. وبه حیث یک استاد به نسل جوان خاطر نشان نماید که هرکس به وطن خود خدمت کند، فرزندان این خاک از آنها به نیکوئی یاد خواهند کرد، وپاس خدمات آنها را خواهند داشت.
به عقیده من،در میان استادان پوهنتون کابل وروشنفکران پشتون تبارافغانستان، در بیست سال اخیر، هیچ استادی ونویسنده پشتون مقیم افغانستان در شجاعت گفتار وکردار واحساس وطن دوستی به پای اسماعیل یون نمی رسد. پوهاند داکتراسماعیل یون برای دفاع از هویت ملی ووقار وحیثیت افغانها در برابر دشمنان بمراتب قوی تر از خود سینه خود را سپرساخت و با شهامت واستدلال کم نظیر از حقوق ضایع شده پشتونها در دولت پسا طالبان بوسیله مافیای قدرت(شورای نظار وجمعیت) دفاع کرده است ونتیجه مقاومت ودلیری واستدلال وسخنرانیها و مبارزات او بود که بالاخره کلمه درحال نزع "افغان" را به حیث هویت ملی در تذکره های الکترونیکی به مردم خود ارزانی کرد.ومنار نجات را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دوباره درجایش برپا نمود.

پوهاند اسماعیل یون وخانمش میرمن یون وکیل در ولسی جرگه،دردفاع از منافع ملی مردم افغانستان مایه افتخار نسل تحصیل کرده وروشنفکر و روشنضمیر افغان وبخصوص پشتونها است. خدمات فرهنگی وعلمی وتالیفات استاد یون خارچشم کسانی شده ومیشود که در هیچ زمینه ای نمیتوانند با پوهاند یون برابری کنند.

شما در برابر این دفاع من از استاد یون، درتاریخ 2019 /7/1 در بخش نظریات پورتال افغان جرمن نوشته اید :

- عضویت شورای انقلابی را داشته ام.
-مثل آدمهای کوچه وبازار برهرکس تاپه میزنم،
- درمحفلی دراستکهلم سویدن دست شما را بوسیده ام ،
- علت اعتراض من ،نقد شما بر رمان پیربغدادی بوده که جواب شما راداده نتوانسته ام.
- باسنگ بازی نکنم!

پاسخ من:جناب جهانی،شما با تذکرنکات فوق نمیتوانید مرا از انتقاد بر نوشته های بی مورد ومتعصبانه خود خاموش بسازید.عضویت من در شورای انقلابی به معنای عضویتم درحزب دموکراتیک خلق نیست،من این را در ۲۵ سال قبل درکتاب (کودتای ثور وپیامدهای آن درافغانستان) نوشته ام.

اما سوابق عضویت شما در فرکسیون حزبی ظاهرافق برای همگی قندهاریان روشن است. درست است که به فرکسیون ظاهرافق بعد از کودتای ثور موقفی داده نشد ، ولی در اوایل اقتدارکارمل شما بحیث مدیر قلم مخصوص مجید سربلند در وزارت اطلاعات وکلتورمقرر شدید مگرچند ماه بعد بنابر افراط در مشروبات غیرمجاز واذیت وآزار بعضی از زیردستان برطرف شدید و به اکادمی علوم پناه بردید.

در زمان داکترنجیب الله شخصیت آگاهی گواهی میدهند که شما در شعبه تبلیغ وترویج کمیتهٔ مرکزی حزب وطن وظیفه داشتید وتا ورود مجاهدین به کابل در ۸ثور ۱۳۷۱ در آن شعبه اجرای وظیفه میکردید. قبل از فرار از کشورآخرین سخنان شما در خانه ایراهیم عطایی این بودکه "این بار انقلاب را از دهات آغاز میکنیم.»(منبع: یک استاد پوهنتون که برای وداع شما درمنزل ابراهیم عطائی صبح وقت حاضرشده بود) پس من به ناحق شما را به عضویت درحزب خلق - پرچم منسوب نکرده ام.

درمورد بوسیدن دست: شما باید بدانید که بوسیدن دست یک شخصیت فرهنگی ازجانب یک شخصیت فرهنگی دیگر نشانهٔ احترام وقدردانی است نه علامت سستی یا پستی! واقعیت اینست که من مطلع شده بودم که شما به مرض سرطان مبتلا شده اید وآن محفل در استوکهلم بخاطر وداع با شما تدویریافته بود . درآن محفل من نه تنها مقاله ای درتوصیف شما خواندم بلکه از روی دلسوزی دست تان رانیز بوسیدم تا روحاً شما را خوشحال ساخته باشم،مگر متاسفانه که شما آن دلسوزی واحترام مرا به معنی برتری خود و کوچکی من تعبیرکرده اید واکنون آنرا برخم میکشید، درحالی که این کارمن نه در فرهنگ غربی ونه شرقی ، کسرشأن شمرده نمی شود.

تا آنروز من شما را شاعری مفکر وملی و بدون تعصب می پنداشتم ولی بعد از آن که آقای سیاه سنگ سرودن شعر"**زموږ کشتیی دوبوله، خپل دریابی توپانی سو**" شما را به استقبال ازکودتای ثوربرخ تان کشید وپرسید که منظورشما از سرودن این شعر چی بود، ولی شما جوابی قناعت بخش به او داده نتوانستید، اعتقاد من هم نسبت به شما زایل گردید واز دست بوسی شما پشیمان شدم و بعد اگربخاطر

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

داشته باشید من بشما نوشتم که "شرمنده انتخاب خویشم!» و رابطه خود را باشما قطع نمودم. خوشبختانه که این محفل زمانی برگزار شده بودکه شما هنوزبه حیث وزیر اطلاعات وفرهنگ درحکومت اشرف غنی قرار نگرفته بودید، ورنه امروزچنین تعبیر میکردید که این دست بوسی را بخاطر گرفتن کدام ریاست انجام داده ام .

درمورد نقد خود برکتاب پیربغدادی اشاره کرده اید که من نتوانسته ام جوابی بشما بدهم.اصلاً من نمیخواستم با شما در این مورد وارد بحث شوم.اکنون برایت مینویسم.

من روایت پیربغدادی را از صفحه فیسبوک Zulmai Khan Salar گرفته بودم وچون دلچسپ بود آنرا با دیگر دوستان خود شریک ساختم وسپس به خواهش بعضی دوستان آنرا به دری برگرداندم. در صفحهٔ محترم زلمی خان سالار منبع خاطرات پیربغدادی نوشته نشده بود. اگر نوشته می بود که کاپی از رمان تاریخی نصیراحمداست، بازهم من آنرا ازنام وآدرس همان هموطن اقتباس میکردم.پس از آنکه آنرا من بدری برگرداندم وبه نشر سپردم،درسایت دعوت چشمم به نام کتاب پیربغدادی افتاد ومن لینک آنرا در پیشانی یاداشت پیربغدادی گذاشتم .

من تا اینجا کدام نقدی از شما برکتاب پیربغدادی نخوانده ام ولی وقتی در فیسبوک جناب استاد سیدعبدالله کاظم اصل متن انگلیسی را از نام داویدجونز پرسیدند مجبورشدم به آن لینک مراجعه کنم ومتوجه شدم که آن خاطرات یک رمان تاریخی از قلم کسی بنام نصراحمد احمدی است که به زبان پشتو نوشته شده وانصافاً که بشکل بسیار خوبی هم نوشته شده است.

باید تذکرداد که اساطیر وافسانه ها وروایات حماسی ورمانهای تاریخی منسوب به بیک ملت، یکی از منابع تاریخی اند ویک مورخ درهنگام نوشتن تاریخ ، می باید این منابع را از نظر دور نداشته باشد. بطورمثال: تاریخ ایران(2 جلد) ازپرسی سایکس انگلیس را ببینید که فصول مقدماتی خود را به داستانها و روایات حماسی شاهنامه وقف کرده است. عین همین کار را دانشمند دنمارکی کریستن سن در تاریخ ساسانیان نموده است ودرکشورما استاد کهزاد وحبیبی نیزآنرا رعایت کرده اند.

واما در مورد رمان تاریخی بایدگفت که مبنای رمان تاریخی، کتب تاریخ و سفرنامه هااست که زندگی یک جامعه را در یک مقطع تاریخی نشان میدهد ولی زبان بیانش داستانی است، اما مثل داستان نیست.داستان محصول خیال وذهن داستان نویس[مثل اشعارشما] است که اغلب برمحور عشق ودلدادگی یا شجاعت ودلیری فردی می چرخد و گوشه ای از زندگی اجتماعی را تصویر میکند.گفت وگوها در رمان به مآخذ ضرورت ندارد،بلکه به آگاهی مردم ضرورت دارد.

در رمان تاریخی پیربغدادی رخداد های تاریخی دوره امانی با دقت دنبال شده است و با مندرجات کتب تاریخی چون: تاریخ غبار و تاریخ فرهنگ و تاریخ ریه تالی استوارت(آتش درافغانستان) و تاریخ پوپلزایی(سفرهای امان الله خان در۱۲کشور اروپایی وآسیایی) وچشم دیدهای فیض محمدکاتب(تذکرة الانقلاب)مطابقت دارد. بطورمثال،سفرامان الله خان به کشورهای اروپائی وآسیائی وامضای قرارداد های تورید فابریکات مختلفه برای وطن، خریداری طیارات و موترهای زره دار و وسایل نظامی وطبی و زراعتی برای افغانستان همان چیزهای است که در کتب تاریخی مزبورآمده اند.

همچنان اطلاعات در مورد سوابق دزدی حبیب الله کلکانی و زندانی شدنش در پشاورو پاره چنار و سپس رهایی اش توسط انگلیسها وتشویق او برای اغتشاش درمقابل رژیم امانی و ملاقات او باملاها وملنگهای گماشته شده از طرف انگلیس در راه بازگشت به وطن و راهزنی های مجدد او در کاپیسا وپروان و حمایتش از جانب خوانین وحضرات مجددی ودیگر وابستگان ومریدان این خانواده روحانی درپروان وکاپیسا از حبیب الله وبالاخره حمله اوبرکابل و چپاول وتاراج کابل وغارت ارگ و بردن دار وندار کابلیان به کوهدامن بشمول تصامیم ضد علم وفرهنگ و دست درازی به مال وناموس مردم کابل

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

همگی نکاتی اند که درتاریخ های معتبر کشور درج است. ودر رمان تاریخی پیربغدادی بشکل گیرایی بازتاب یافته است. از وجود جواسیس انگلیسی از قبیل لارنسها وپیرکرم شاه ودیوید جونزها برای سقوط رژیم مترقی امانی نباید به این دلیل که منبع یک رمان تاریخی است منکر شد.
"انتقام درجگده لگ" که توسط نفتولا خالفین مورخ روسی نوشته شده است،یک رمان تاریخی است که وقایع وحوادث جنگ اول افغان وانگلیس در آن به زبان داستانی روایت شده است.این کتاب از چنان جذابیت تاریخی وادبی برخوردار است که خواننده فکر میکند خود حاضر وناظر صحنه است.

نوشته اید کسی که درمحل شیشه ای نشسته باشد نباید با سنگ بازی کند! من شماوزیرصاحب اطلاعات وفرهنگ گریختگی وبیکاره را به اندازه کلوخی به حساب نمیگیرم،چون هیچ خدمتی به زبان وفرهنگ خود نکردید، وادعای سنگ بودن شما برایم خنده آوراست! **پایان**

*** عبدالباري جهاني در تاریخ: 01.07.2019در بخش نظریات پورتال افغان جرمن آنلاین نوشته است:**

نه مي غوښتل چي څه وليکم خو په ليکلو يي مجبور يم. څو ورځي مخکی د کابل پوهنتون يوه استاد پوهاندمحمداسماعيل يون، د پاکستانی کلداري د ارزښت د رالوېدلو له امله، دومره خوښي ښکاره کړي وه چي پر شهيد جمهورريس داوود خان باندي يي زېری کړی وو چي وګوره افغانی په دوه کلداري تبادله کيږي. زه د شهيد داوود خان شخصيت او وطن پالني ته عقيده او احترام لرم. خو په دي نه پوهيږم چي د کلداري د ارزښت را پرېوتل زموږ له توري او شهامت سره څه اړه لري؟ د کلداري د ارزښت په راپرېوتلو کي زموږ د کمال اغېزه څه ده؟ او که يي داسي فرض کړو چي سبا به يوه افغانی له پنځو کلدارو سره تبادله کيږي موږ ته به يي ګټه څه وي؟ که د ښاغلي واحد حيدري دا وروستی ليک په نظر کي ونيسو چي د يونيسيف په حواله يي ليکلی او وايي چي د افغانستان ديارلس نيم ميليونه نفوس د خوراکي موادو له کمبود سره مخامخ او څلور ميليونه انسانان، چي بايد مطلق اکثريت يي ځوانان او د ملت سرمايه وي، په مخدره موادو معتاد دي. په کابل کي، له لمر لوېدلو څخه وروسته څوک، د بي امنيتی له لاسه دباندي وتلای نه سي، او هيواد څو داړه مارانو او قوماندانانو يرغمل کړی دی نو موږ ته د کلداري د ارزښت را لوېدل څه ګټه لري. چي هغه دي په دومره خوشالي وارزي چي موږ يي زېری د شهيد داوود خان قبر ته يو سو.حتی د پاکستان د اقتصاد خرابي او عمومي سياسي بي ثباتي زموږ د هيواد د غريب کارو او سوداګرو په تاوان ده. دا ماشومانه احساسات دي چي د پوهنتون د يوه استاد او هغه هم يوه پوهاند سره نه ښايي. که زموږ د پوهاندانو دغه سويه وي نو سړی به د هغو فيسبوکيانو څخه چي له سهاره ترماښامه، په غلطو املاوو، يوه بل ته په ښکنځلو ګوزاره کوي څه ګيله ولرو.زه له پوهاند اسماعيل يون سره هيڅ ډول مخالفت نه لرم؛ حتی احترام ورته لرم. خو که دغه ليکنه بل هرچا کړي وای زما به همدغه عکس العمل وای. کلونه کيږي چي موږ له دي منفي ذهنيت سره ژوند کوو. د دي پرځای چي خپل غم وخورو، د دي پرځای چي خپل مړی وژاړو، د دي پرځای چي د خپلو تباهيو مخه ونيسو د بل تباهی ته چک چکي کوو. و ما علينا الی البلاغ

آقای جهانی، آستادیون نه در ایجاد 13 میلیون فقیر افغانستان نقشی داشته است ونه هم رئیس دولت ویا رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی است که در کمک به مردم فقیرتدابیری اتخاذ کند. اگرفکرمیکنی که با یک نوشته دولت افغانستان به این معضله رسیدگی میکند چرا خودتان یک چنین نوشته ای را انجام نمی دهید؟ پس معلوم میشود که هدف شما از این نقد بر مرثیهٔ استاد یون کم اهمیت جلوه دادن نوشته اوست. شاهدان عینی میگوئید که شما درمقابل استاد یون عقده دارید. استاد یون درهنگام وزرات تان رویاروی بشما گفته بود: داکتر رهین هزارمرتبه برشما برتربود که جرات نمود عکس قهرمان شورای نظار را از فراز وزارت پائین آورد ولی شما جرئت ندارید تا اسم آن وزارت را به پشتو نیز بنویسید! از آن ببعد شما ازاستادعقده گرفته اید وسعی میکنید او را تخریب کنید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکي په ځير و لولئ